

افتراق دولتمردان؛ افغانستان را کجا می برد!

کودتا های نامیمون؛ اعمال ضد منافع ملی، جنایات هولناک و ضد مردمی سیاسیون چپ و راست افغان؛ در حمایت و تبنانی با استخبارات کشور های دور و نزدیک، با داشتن روحیه انحصار گرانه متکی بیک حزب، یک قوم و چسپیدن بیک ایدیولوژی؛ افغانستان را به مذلت و خواری مواجه ساخته، صید کنفرانس بُن و در دام پیمان نظامی ناتو انداخت! پیمانی که افغانستان را به دلایلی، نه منحصی عضو خود پذیرفته میتواند، نه « به اساس فیصله شو رای امنیت ملل متحد » خارج از سر حدادش به تعقیب القا عده و دهشت افگنان خارجی رفته میتوانند، نه از تمامیت ارضی اش دفاع می نماید و نه مانع مداخلات مسلحانه توپ خانه ای و تخریب کاری همسایه های در کمین نشسته شده می تواند. اگر خواسته مشروع دولت « آوردن صلح » آقای کرزی دست نشانده خود قو ای ائتلاف بر آورده نشود و پیمان امنیتی توسط وی عاجل؟! به امضاء نر سد. تهدیدات، فشارها و پلان های شوم و غیر عملی روهر باکر ها با همفکران خارجی و داخلی شان را مردم ما از قبل آگاه بودند. با ایجاد افغانستان شمالی و جنوبی، نه تنها افغانستان، بلکه منطقه در آتش جنگ خواهد سوخت. پس تهدید ها از جمله بستن سفارت امریکا واقعاً تعجب بر انگیز است. مگر اینکه در پس پرده درامه نو طرح شده باشد. این را می پذیرم که: در سیاست زبان دو پهلو، استعاری و انعطاف پذیر وجود دارد.

هموطنان صبور و اسیر زورمندان ما؛ شناختی از قدرت های بزرگ جهان، خواست همسایه های طماع و نیرو های در گیر افغان دارند؛ گویند **"سیل بین عقل چهل وزیر را دارد"** در موقف هر سه طرف درگیر « قوای ائتلاف، دولت و مخالفین مسلح، وابستگی ها، زد و بند های چند پهلو، عدم صداقت، عدم احساس مسؤولت در برابر حیات شهروندان ملکی و دارایی های عامه، بی برنامه گی دیده میشود. نگرانی مردم و سر نوشت مکتوم کشور؛ واقعاً جدی و با اهمیت است. اما هر وطن دوست آگاه، نیک میداند که: دفاع از تمامیت ارضی، ساختن نظام، تأمین امنیت شهروندان، تحقّق یک سان قانون و . . . و وظیفه دولتمردان و سیاسیون خود یک کشور می باشد.

چشم مردم کوره دیده ما با دوستی؟! اتحاد شوروی و همسایگان مغرض باز گردیده و ۱۲ سال تجربه کافی از عملکرد مثبت و منفی ائتلاف جهانی نیز به دست آوردند. به گمان این قلم ناتوان، آزاد اما جسور، سیاسیون ما از تجارب گذشته چیزی نیا موخته اند! **دوستی ها در سیاست صرف بر مبنای منافع ملی کشور ها استوار میباشد!** بناءً در صورت احتمال فرضی "خروج کامل قو ای شکست خورده ایتلاف" دولت متفرق، مخالفین مسلح متفرق، و قرار مسموع حدود ۶۵ حزب سیاسی راجستر شده در داخل کشور که همه در پیشوند و پسوند نام احزاب خویش کلمه ملی، اسلامی، حق، آزادی، مستقل، مترقی، دیموکراتیک، عدالت اجتماعی، وحدت، مشارکت، اتحاد، جبهه ملی، جنبش، همشهری، ائتلاف ملی و مردمی و . . . چسبانیده اند؛ در چه موقعیت مردمی، با کدام کیفیت، در چه سطح مؤثریت قرار دارند؟ و جهت خاطر اطمینان به هموطنان درد

مند، سراسیمه، نا امید و غیر سیاسی که در واقع " اکثریت خاموش " کشور را تشکیل می‌دهند، اجراءات عملی و مثبت جهت حفظ و سلامت کشور، با مدنظر داشت منافع ملی و وحدت برادرانه همه شهر وندان کشور، چه پیامی عملی و قابل پذیرش دارند؟ آیا ادعای های بلند و بالایی صفات ذکر شده فوق واقعیت دارد؟ آیا احزاب سیاسی راجستر شده وزارت عدلیه کشور، قانون مند و متکی به مردم و منافع علیای کشور است؟ یا خدا نا خواسته مُزد بگیر مراجعی خارجی بوده و از کمیت و کیفیت خبری نیست! این ادعا به هیچ وجه شامل حال همه فعالین محترم و مبارزین جانباز کشور نمی‌گردد و مردم با شعور کشور تشخیص جُغد را از بلبل دارند.

پیشنهاد صمیمانه و بدون غرض: - اگر فعالین محترم سیاسی ما بخواهند و بتوانند، با یک روی کرد واقع بینانه و انتقاد آمیز از حاصل کار خود، از نیرو های مطرح سیاسی در گذشته « مشمولین دولت فاسد » نیرو های مقاومت مسلح، دور از ایدئولوژی بازی، انواع تعصب و منحیث یک انسان آزاده و وطن دوست به فاجعه موجود کشور بنگرند، یقین دارم، به این نتیجه خواهند رسید که: تا خود افغان ها به یک وحدت نسبی و فکری نرسند و مثل سایر ملل متمدن جهان به چند حزب و تشکل محدود ملی، فرا گیر و متکی به مردم خود اکتفا نکنند، در عین رعایت پلورالیسم سیاسی یا کثرت گرای سیاسی، تا بتواند پاسخ گوی نیاز مندی های جامعه ما باشند. بناءً

فعالین محترم سیاسی این شما هستید که با کار مشترک تان، آینده خود و فرزندان تانرا با کشور شان رقم میزنید!
آرزو دارم همه شخصیت های وطن دوست و خبیر، مثل همیشه که خویشان را در برابر ملت مظلوم افغانستان، متعهد

و مسؤول دانسته اند، در این لحظه حساس کشور از ابراز نظریات مفید، ارزشمند، خیر اندیشانه و خیر خواهانه شان دریغ نورزند. نگارنده سطور با پیر وی و باور به این تفکر، در مسایل ملی، که هیچ زمانی بی تفاوت نبوده، منحیث یک سپاهی گمنام، فارغ از قید و بست تشکیلاتی، فارغ از پیر وی کدام ایدئولوژی و التزام سپردن، منحیث یک افغان مسلمان، مستقل و ملی گرا و معتقد به ارزش های پسندیده جامعه سنتی کشور، خود را مکلف میدانم. به آن عده هموطنان نی که نیرو های مسلح تحت فرمان خویش را مبرا از جنایات انجام شده در حق مردم متضرر ما می‌پندارند، برسایم که: با ارائه کدام ضمانت های عملی و قابل قبول مردم، از حدوث اضطراب ۲۰۱۴ و سال های بعدش فارغ باشند؟! صرف دولت امریکا با تقبل تلفات بیش از ۲۶۰۰ نفر جنگنده و بالغ به ۶۰۰ میلیارد دالر مالیه دهنده گان امریکایی، در جنگ ناکام و تحمیلی افغانستان از دست داده اند.

این حقیر در کنار اکثریت خاموش، از حوادث ضد مردمی، غیر سیاسی و غیر مسؤولانه، که پس از سقوط رژیم داکتر نجیب الله در کابل؛ به وقع پیوست؛ نیز از تکرارش وحشت دارم. بناءً با نظرات « افغانستان شمول » در کنار هزاران وطن دوست دیگر، باور مند به منافع ملی، وحدت ملی و ارزش های شایسته فرهنگی و اسلامی کشور واحد ما با انتهای اخلاص، احترام و با کمال صداقت به پیمانۀ فهم و

درک خود، از طرف های درگیر عاجزانه و مسؤولانه تقاضا نموده و پیشنهاد مینمایم که: قبل از خروج احتمالی قوای ائتلاف، مکانیزم و ضمانت های داخلی و خارجی باید بوجود آید، تا مانع جدی درگیری نیرو های مسلح گردیده بتواند و افغانستان مجدداً در اسارت مخفی کشور های همسایه قرار نگیرد. این خواست بر حق مردم افغانستان، بدون میز مذاکره و همکاری جدی سازمان ملل متحد، و کشور های نیرومند جهانی غیر ممکن و مقدور خواهد بود. افغانستان در آینده نیز باید در کنار جامعه جهانی روابط دوستانه داشته باشد.

پاینده و جاوید باد افغانستان متحد و یک پارچه!

نابود دی وی د هیواد د ژبني، سمتي، او مذهبي سياسي دلالات!

و من الله توفيق

په درنشت